



## مخاطبان دور دست

رادیو، زندگی روزمره و توسعه در جنوب هند

✦ یسود حسن و توماس جایپر اکاش

ترجمه: مهره آخوندی

کارشناس ارشد تحقیق در ارتباطات

### اشاره

این مقاله بیان می‌کند که چگونه «تودا»ها - مردم اجتماعات دوردستی که در تپه نیلجیری (Nilgiri) در جنوب هند زندگی می‌کنند - از رادیو در بافت محیط رسانه‌ای خود که به سرعت تغییر می‌کند، استفاده می‌کنند.

مطالعات میدانی انجام شده در شهرک تودا نشان می‌دهد که در نظر توداها رادیو یک رسانه مهم برای کسب اطلاعات، سرگرمی و توسعه است. همچنین پاسخها از سوی مخاطبان بومی چگونگی تأثیر جنسیت و سن را بر الگوی گوش دادن آنها به رادیو آشکار کرد. به نظر می‌رسد مردان به پخش برنامه‌های کشاورزی مرتبط با شرایط محلی تمایل دارند؛ زنان به برنامه‌های مذهبی گوش می‌دهند و از برنامه‌های تفریحی چشم‌پوشی می‌کنند و کودکان رادیو را یک همراه و یک رسانه خودمانی اطلاع‌رسان و سرگرم‌کننده در نظر می‌گیرند.

این مقاله شرح می‌دهد که چگونه یک ایستگاه رادیویی کم‌قدرت منطقه‌ای واقع در نزدیکی جوامع بومی، به مخاطبان خود به‌طور اختصاصی خدمات می‌دهد؛ آن‌هم در کشوری که در آن پخش رادیو مانند یک مجموعه تجاری، فعالیت می‌کند.

باداگاس‌ها، (کسانی که به نیلجیری مهاجرت کرده‌اند) همراه با دیگر اجتماعات بومی، در این منطقه ساکن شده‌اند. این مقاله بررسی می‌کند که توداها چگونه از ایستگاه رادیویی همسایه کم‌قدرت اوتی - یکی از ایستگاه‌های رادیویی منطقه‌ای متعلق به رادیو سراسری هند - در زندگی روزمره خود استفاده می‌کنند و نیز به کاوش در این باره می‌پردازد که اوتی چگونه مشارکت مخاطبان را در برنامه‌های میدانی خود تضمین می‌کند.

با وجود تلاش رسانه‌ها برای ترویج آموزه‌های توسعه از طریق برنامه‌های کشاورزی، بهداشت و همچنین کنترل جمعیت، دستیابی به توسعه کند بوده است. در مناطق روستایی و دوردست در هند، مردم به دلیل هزینه، سواد اندک و مشکلات توزیع رسانه‌های دسترسی محدودی به رسانه‌های جمعی دارند.

بسیاری از نویسندگان دیدگاه «از بالا به پایین» در توسعه ارتباطات را مورد انتقاد قرار داده‌اند. ملکات (۱۹۹۱) نشان می‌دهد که در این رویکرد، پیام‌ها از منبع قدرت به سوی مردم روانه می‌شوند؛ در حالی که این پیام‌ها برای درک مخاطبان روستایی، اغلب دشوار و مبهم هستند که آن‌هم به دلیل ذات و طبیعت پیچیده پیام‌هاست. مادی (۱۹۹۱) بر این باور است که رسانه‌های غیرمتمرکز محلی، که دارای مراکز تولید در سطح منطقه‌ای هستند، می‌توانند پیام‌های رویکرد «بالا به پایین» را کاهش دهند.

مطالعات میدانی برای یک دوره ۱۰ هفته‌ای در میان ۲۰ شهرک از جامعه توداها انجام شده است. مردمان بومی از محروم‌ترین افراد هستند که به ساکنان موندز (Munds) معروف‌اند و از نبود برق و فقدان امکانات جاده‌ای، مدارس، مراکز درمانی اولیه و بسیاری دیگر از نیازهای اساسی محروم هستند.

توداها اجتماع چوپانی هستند که دهکده معمولی آنها از یک تا پنج خانه، یک رأس گاو وحشی و یک معبد تشکیل می‌شود. مطالعات میدانی نشان می‌دهد که ایستگاه رادیویی کم‌قدرت منطقه‌ای در نزدیکی شهر اوتی تأثیر قابل توجهی در زندگی روزمره توداها دارد. توداها تصور می‌کنند که برنامه‌های پخش شده توسط اوتی مربوط به شیوه زندگی و فرهنگ آنهاست. گرچه هند یک سیاست به‌خوبی تعریف‌شده را

برای رسانه‌های بومی و مخاطبان ندارد، اوتی در سال ۱۹۹۴ با هدف تقویت اقلیت‌های قومی معرفی شد. سطح پایین قدرت فرستنده - یک کیلووات - و محل آن در زمین مردم بومی، اوتی را قادر می‌سازد تا مانند «رادیو جماعتی» باشد؛ آن‌هم در کشوری که در آن مفهوم رادیو جماعتی یا محلی شکست خورده است. (نورونها، ۱۹۹۹)

### گسترش رادیوهای محلی در هند

پخش رادیویی در هند در سال ۱۹۲۳ بر اساس پایه‌های تجربی کلید خورد، اما پخش منظم در سال ۱۹۲۷ از سوی سازمان خصوصی (کمپانی پخش هند) آغاز شد و هنگامی که این شرکت رو به انحلال رفت، دولت بر پخش رادیویی در سال ۱۹۳۰ با عنوان «سرویس پخش دولتی هندی» تسلط یافت. در سال ۱۹۳۶، «سرویس پخش دولتی هندی» به «رادیو سراسری هند» تغییر نام داد. در زمان استقلال در سال ۱۹۴۷، رادیو سراسری هند فقط شش ایستگاه رادیویی داشت. شبکه به تدریج گسترش یافت و در سال ۱۹۹۹، رادیو سراسری هند حدود ۲۰۰ ایستگاه رادیویی شامل ۱۴۵ فرستنده فرکانس متوسط، ۵۵ فرستنده فرکانس بالا و ۱۰۳ فرستنده فرکانس FM داشت. تخمین زده شده است که ۱۰۴ میلیون خانوار رادیویی وجود دارد و ۱۱۱ میلیون دستگاه رادیو در هند هست.

**رادیو سراسری هند** دارای سه سطح پخش ملی، منطقه‌ای و محلی است. از ایستگاه‌های ملی، برنامه‌های مختلف پخش می‌شود که عبارتند از: بولتن خبری مرکزی به زبان‌های هندی و انگلیسی، موسیقی، تئاتر، ورزش و دیگر برنامه‌های محاوره‌ای. ایستگاه‌های منطقه‌ای که واقع در ایالت‌های مختلف هند هستند، به مخاطبان منطقه‌ای با ترکیب مشابه ایستگاه‌های ملی خدمات ارائه می‌دهند، اما تأکید بیشتر آنها بر زبان‌های منطقه‌ای است.

البته رادیوی محلی یک مفهوم به نسبت جدید در تاریخ پخش در هند است. این ایستگاه‌های رادیویی، انعطاف‌پذیر و مختص به منطقه‌ای خاص هستند و به مناطق کوچک خدمات می‌دهند و به زبان‌های منطقه‌ای، برنامه پخش می‌کنند.

میراث استعماری  
پخش متمرکز و  
برنامه‌ریزی سفت  
و سخت پخش،  
رادیوهای ملی را از  
اینکه روشی مؤثر  
در برقراری ارتباط  
با جمعیت متنوع  
هند در پی گیرند،  
باز می‌دارد.

دیوان عالی کشور هند در سال ۱۹۹۵ حکم کرد که «پخش رسانه‌ها باید تحت کنترل عمومی باشد و مستقل از دولت تعریف شود.» این دستور به اصل ۱۹ درباره آزادی بیان و عقیده اشاره دارد.

در پاسخ به این تصمیم، دولت هند خطمشی جامع ملی رسانه‌ها را شکل داد و در آن توصیه کرد که شبکه‌های خصوصی در داخل کشور راه‌اندازی شود. این تأییدی بر پایان انحصار پخش دولتی بود.

رادیو به منزله یک رسانه به نسبت ارزان، آژانس‌های توسعه و سازمان‌های غیردولتی را بر آن داشت که علاقه وافری به اخذ پروانه‌های رادیویی برای پخش رادیو جماعتی داشته باشند (ر.ک به اعلامیه بنگالورو درباره رادیو، سپتامبر ۱۹۹۶). با این حال، سیاست‌های مرتبط با راه‌اندازی و گسترش رادیو جماعتی هنوز باید تنظیم شوند؛ چرا که این امر می‌تواند مانع تحول ایستگاه‌های رادیو جماعتی در هند شود. (متا، ۱۹۹۹ و نورون‌ها، ۱۹۹۹)

میراث استعماری پخش متمرکز و برنامه‌ریزی سفت و سخت پخش، رادیوهای ملی را از اینکه روشی مؤثر در برقراری ارتباط با جمعیت متنوع هند در پی گیرند، باز می‌دارد. به‌منظور رسیدن به مخاطبان دوردست و متنوع به‌صورتی مؤثر، اولین ایستگاه رادیویی محلی در Nagercoil، در تامیل نادو، در سال ۱۹۸۴ راه‌اندازی شد. به‌دنبال موفقیت این ایستگاه رادیویی محلی، بسیاری از دیگر ایستگاه‌های رادیویی محلی تشکیل شدند؛ به‌گونه‌ای که در سال ۱۹۹۹، ۷۴ ایستگاه رادیویی محلی در هند، تأسیس و راه‌اندازی شد.

با این حال، ایستگاه‌های رادیویی محلی به‌طور فزاینده برنامه‌های رادیوهای ملی را بازپخش می‌کنند و مانند ایستگاه‌های رادیویی تجاری به فعالیت می‌پردازند، که این به معنای شکست مفهوم «رادیو جماعتی» است. بعد از نزدیک به نیم‌قرن مبارزه در راه استقلال رسانه‌ها، «قرارداد پراسار بهاراتی» در سال ۱۹۹۷ تصویب شد و به اجرا درآمد تا وضعیت مستقل برای رسانه‌های الکترونیکی در هند به‌وجود آورد. البته تاکنون این قرارداد جدید هرگونه تغییر جدی در تولید و عرضه برنامه را به‌مرغان نیاورده است. مصاحبه ما با مسئولان برنامه‌های تمامی

ایستگاه‌های رادیویی منطقه تامیل نادو نشان داد که خودمختاری رسانه‌ها در هند در دوره گذار خود قرار دارد. خصوصی‌سازی ایستگاه‌های رادیویی FM نشان می‌دهد که پخش در حال تغییر از وضعیت انحصار دولتی به وضعیتی با عملیات بالای اقتصادی است.

### ایستگاه رادیویی اوتی

ساختار اوتی مانند رادیو جماعتی در میان مخاطبان بومی منطقه نیلجیری است و یک استثنا در پخش منطقه‌ای استاندارد در جنوب هند است.

اوتی، با ترکیبی از برنامه‌های خود که به‌طور عمده بر اساس مکان، طراحی، ساخته و ارائه می‌شوند و نیز نوآوری در سبک موسیقی، به‌طور متمایز برجسته می‌شود. زمانی که در مقایسه با سایر ایستگاه‌های رادیویی منطقه‌ای، از جمله ایستگاه رادیو ناچرکویل قرار می‌گیرد، اوتی برای توانمندسازی مخاطبان بومی از طریق برنامه‌های خود تلاش می‌کند.

برنامه‌ها برای مخاطبان مختلف، از جوانان گرفته تا نوجوانان و کودکان و کل خانواده پخش می‌شوند؛ برنامه‌هایی برای موقعیت‌ها و حوادث محلی در حال وقوع مانند ورزش، مسائل محلی، مشخصات روستاها، اخبار محلی، کشاورزی، آهنگ‌ها و بحث‌های محلی، آهنگ‌های قبیله‌ای، بازخوردهای مردمی و... مطالبی از این دست می‌باشد.

اوتی به پخش برنامه‌ها به زبان‌های منطقه تامیل می‌پردازد؛ برنامه‌هایی که در آن، مخاطبان بومی برنامه‌های خود را در گویش قبیله‌ای خود اجرا می‌کنند. برخلاف ایستگاه‌های رادیویی بزرگ در منطقه تامیل نادو، که به پخش برنامه از صبح تا اواخر شب با چند فضای تنفس می‌پردازند، اوتی تنها بین ۵/۳۰ صبح و ۹/۳۰ شب برنامه پخش می‌کند. از زمانی که اوتی به پخش مجموعه‌ای از برنامه‌ها در فرهنگ‌های محلی پرداخته است، مخاطبان بومی به این ایستگاه گوش می‌سپارند.

پژوهش ما نشان می‌دهد که شنوندگان این منطقه، اوتی را ترجیح می‌دهند؛ زیرا آنها آن را در پیوند و مرتبط به زندگی روزمره خود می‌دانند. مردان تودا، که از چوپانی به کشاورزی روی آورده‌اند، ترجیح می‌دهند به برنامه‌های کشاورزی گوش دهند؛ زیرا فعالیت‌ها در

نیلجیری به صورت مشخص مرتبط هستند. قبل از آغاز به کار اوتی، مخاطبان دوردست در نیلجیری عادت داشتند به ایستگاه‌های رادیویی - که به‌طور عمده در منطقه تامیل نادو در باند متوسط پخش می‌شدند - گوش دهند. آنها همچنین سعی می‌کردند که به ایستگاه‌های رادیویی خارجی مانند سرویس جهانی BBC و رادیوهای سنگاپور و مالزی بر روی موج کوتاه گوش دهند. هر چند آنها هنوز هم به این ایستگاه‌ها برای سرگرمی گوش می‌دهند، اما آنها به ORS برای اطلاعات کشاورزی و برنامه‌های مکان‌محور محلی تولیدی مانند giramam Yengal (روستای ما) و Malai aruvi (برنامه آهنگ قبیله‌ای) متکی هستند، ولی ارتباط و سازگاری بیشتری با شرایط خاص نیلجیری دارد و مخاطبان دوردست از توداها را وامی‌دارد تا برای دریافت به برنامه‌های محلی گوش دهند.

به این ترتیب، اوتی نتیجه روند تغییر کانال‌های ارتباطی برای توزیع اطلاعات از ارتباطات بین‌فردی به ارتباطات حاصل از پخش رادیویی، به‌ویژه برای مقاصد کشاورزی است.

### قوم‌نگاری گوش دادن به رادیو

بسیاری از خانواده‌ها در تودا حداقل یک گیرنده رادیو دارند، در حالی که فقط چند خانوار یک گیرنده تلویزیون دارند. دوری از محل، فقدان دسترسی به منبع برق و نرخ پایین سواد مانع توزیع تلویزیون و روزنامه‌ها در میان توداها می‌شود. در همین زمان، در دسترس بودن رادیوهای ترانزیستور مناسب از دهه ۱۹۷۰ انقلابی در پخش رادیو و استفاده از آن میان مخاطبان دوردست در جنوب هند ایجاد کرد.

مصاحبه‌های ما به‌طور عمده در خانه‌های توداها انجام می‌شد و بعضی اوقات در مزارع و در طول استراحت و ناهار آنها صورت می‌گرفت. مطالعات میدانی ما نشان می‌دهد که رادیو در زمان‌های مختلف از روز و در جاهای مختلف سکونت و فعالیت خانواده‌ها؛ چه در مزارع و چه در اقامتگاه‌های آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد. گوش دادن به رادیو دارای نسبتی متفاوت در میان مردم توداست؛ نسبتی بر جنسیت، سن، فضا و...

توداها از رادیو برای کسب اخبار و برنامه‌های

کشاورزی و درام و برنامه‌های مرتبط با موسیقی مانند آهنگ‌های فیلم‌های محبوب، ترانه‌های حماسی و ملی و آهنگ‌های قبیله‌ای استفاده می‌کنند.

راه‌اندازی اوتی در زمانی بود که توداها- کسانی که عادت دارند زمین خود را به جمعیت مهاجر کرایه دهند- از چوپانی به کشاورزی تغییر شغل دادند. این گزاره در مطالعه میدانی ما تأیید شد: «ما عادت داشتیم که زمینمان را اجاره بدهیم، اما امروز دیگر اجاره نمی‌دهیم. ما خودمان روی زمین کار می‌کنیم» (۳۹ ساله، مرد بی‌سواد). «اگر ما یاد بگیریم که چگونه کشاورزی کنیم، دیگر نیازی نیست که زمین، اجاره بدهیم. همچنین می‌توانیم سود خوبی از زمین و کارمان به‌دست بیاوریم» (۳۰ ساله، پیرمرد). «ما باور داریم که برنامه‌های کشاورزی مفید هستند» (۳۵ ساله، پیرمرد). «رادیو به ما اطلاعات می‌دهد؛ اطلاعات در مورد اینکه از چه بذری در چند ماه استفاده کنیم.» (۳۴ ساله، پیرمرد)

تغییر شغل توداها و تغییر در تولیدات آنها منجر به ایجاد نیاز برای دریافت اطلاعات و دانش کشاورزی شده است؛ نیازی که از طریق اطلاعات رادیو و با تفصیل بیشتر از طریق برنامه‌های کشاورزی اوتی مرتفع می‌شود.

مردان تودا روز خود را در مزارع سپری می‌کنند و صبح و شام به مراقبت از گاوهای وحشی خود می‌پردازند. تغییر شغل از چوپانی به کشاورزی، زمان جدیدی را در زندگی مردان تودا به ارمغان آورده است. زمان گوش‌دادن به رادیو زمانی است که در پی تغییر زمان مرتبط با شغل آنها پدید آمده است.

در گذشته، اقتصاد تودا در اطراف گاوهای وحشی و محصولات آن مانند شیر و روغن می‌گشت.

کم‌شدن تعداد گاوهای وحشی در میان توداها و آغاز طرح‌های رفاهی توسط دولت موجب تمرکز توداها بر کشاورزی شد. امروزه، آنها به کشت محصولات زراعی از جمله سیب‌زمینی، هویج، کلم، لوبیسا و نخود می‌پردازند. اهمیت و ضرورت کسب دانش کشاورزی در این شرایط توسط توداها به رسمیت شناخته شده است.

**رادیو سراسری هند** به‌تازگی به تغییر سبک و ارائه برنامه‌های تولیدی خود در عرصه کشاورزی روی آورده است. چند سال

به نظر می‌رسد مردان به پخش برنامه‌های کشاورزی مرتبط با شرایط محلی تمایل دارند؛ زنان به برنامه‌های مذهبی گوش می‌دهند و از برنامه‌های تفریحی چشم‌پوشی می‌کنند و کودکان رادیو را به یک همراه و یک رسانه خودمانی اطلاع‌رسان و سرگرم‌کننده در نظر می‌گیرند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پیش، رادیو سراسری هند معمولاً یک مسئول کشاورزی، دانشمند و یا یک متخصص کشاورزی را به استودیو دعوت می‌کرد؛ جایی که در آن، کارکنان مسئول برنامه‌های کشاورزی سؤال‌های اساسی از دعوت‌شدگان می‌پرسیدند. این نوع برنامه‌ها به تدریج از برنامه‌های **رادیو سراسری هند** حذف شدند و اوتی سعی می‌کرد که از حذف کامل آنها جلوگیری کند و آنها را در برنامه‌های خود به کار گیرد.

یک مرد بی‌سواد تودایی ۲۷ ساله از تالاپاتری موند احساس می‌کند که می‌تواند اطلاعات پخش شده در اوتی را دنبال کند؛ زیرا هم سخنان ارائه‌کنندگان و هم واکنش‌های شرکت‌کنندگان در بحث به سبک زندگی توداها مرتبط است. یک مرد ۳۰ ساله از موتاندو موند آن را متفاوت دریافته است. وی اوتی را با ایستگاه‌های رادیویی منطقه‌ای **رادیو سراسری هند** مقایسه می‌کند و می‌گوید: محتوای برنامه‌های رادیویی اوتی به ما مربوط است؛ زیرا کسب و کار ماست. کویمباتور برنامه‌هایی درباره جلگه‌ها پخش می‌کند، اما ما آن روش‌ها را نمی‌شناسیم و در اینجا قابل اجرا نیست. در اینجا رادیو اوتی درباره ما صحبت می‌کند. بنابراین ما می‌توانیم برنامه‌های آن را دنبال کنیم.

تقریباً هر مرد تودایی که ما در ۲۰ شهرک مختلف ملاقات کردیم، به ابراز عقاید مشابه این پرداختند.

در مجموع، آنها احساس می‌کنند که اوتی به پخش برنامه‌های مرتبط به‌صورت مستقیم به زندگی روزمره آنها با بیانی قابل اجرا می‌پردازد. علاوه بر این، بسیاری از برنامه‌ها هم‌اکنون در مزارع تولید می‌شوند، درحالی که پیشتر کاملاً استودیویی بودند.

کسانی که در این برنامه‌ها شرکت و یا برنامه‌ها را اجرا می‌کنند، متعلق به منطقه نیلجیری هستند. یکی دیگر از مزیت‌های شرکت‌کنندگان محلی که توسط مردم بیان می‌شود، این است که درک لهجه‌های محلی برای آنها آسان است.

به نظر می‌رسد مخاطبان در این منطقه محتویات برنامه را به‌خاطر دارند، اما به‌نظر نمی‌رسد که نام تجاری اسامی سموم دفع آفات و یا کود را به یاد بیاورند که احتمالاً به‌خاطر

نام محصول به زبان انگلیسی است که بازتاب پیچیدگی‌های این گفتمان توسعه‌ای است. با این حال، به‌خاطر آوردن اطلاعات کشاورزی؛ به‌ویژه برای مخاطبان بی‌سواد مهم است. «پوتیز کوتان» یک مرد ۳۵ ساله تودایی در این‌باره می‌گوید: «ما نیاز به تغییر برخی از آفت‌کش‌ها به چیزی متفاوت داریم... چه مقدار از آفت‌کش را برای یک هکتار زمین اختصاص دهیم؟ هم‌اکنون ما با دست اندازه‌گیری می‌کنیم، رادیو ما را مطلع می‌کند که چندکیلو را برای یک هکتار باید تقریباً کنار بگذاریم.» اما او اعتراف کرد که نام تجاری سموم دفع آفات را به یاد نمی‌آورد.

پوتیز کوتان درمی‌یابد که برنامه‌های کشاورزی به او چه می‌گویند. آنها درباره چیزی نوین به او آموزش می‌دهند. کوتان می‌داند که یکی باید به اندازه‌گیری و مخلوط کودها در نسبت‌های خاص بپردازد. اما او قادر به یادآوردن جزئیات اندازه‌گیری خاص برای استفاده از کود نیست.

در یک مصاحبه با یک مرد ۲۷ ساله بی‌سواد تودایی، همان موضوع رخ داد. او تلاش سختی برای به یادآوری آنچه از رادیو پخش شده بود، انجام داد و پس از یک وقفه گفت: «من نام سموم دفع آفات را به یاد نمی‌آورم. اما اینکه چگونه در مزرعه کار کنم و چه ماهی کشت کنم، را به یاد می‌آورم.»

یک مرد ۳۷ ساله، نمونه‌ای از تعامل اطلاعات رادیو و ارتباط میان فردی ارائه کرد: «در رادیو آنچه می‌گویند فقط سه‌چهارم از اطلاعات مربوط به یک موضوع است. اما ما اطلاعات دیگر را از کشاورزان دیگر که نزدیک مزرعه ما کار می‌کنند، به‌دست می‌آوریم و ما از آنها می‌پرسیم چه استفاده می‌کنند و ما همان را استفاده می‌کنیم.»

پاسخ‌های زیر از یک مرد کشاورز تودایی بی‌سواد ۲۷ ساله است که نشان می‌دهد چگونه یک تودایی نمی‌تواند به‌سادگی از کانال‌های میان‌فردی انتظار داشته باشد که تمام آنچه رادیو می‌تواند در برخی شکاف‌ها پر کند، به وی ارائه بدهد: «چیزهای جدیدی در هر روز می‌آموزیم. بعضی از اطلاعات هست که ما نمی‌دانیم و کسانی که همراه ما کار می‌کنند، ممکن است ندانند. اما این اطلاعات هستند که

از طریق رادیو داده می‌شوند.»

مخاطبان در مناطق دورافتاده نیلجیری معتقدند که یک رسانه جمعی مانند رادیو می‌تواند با مسائل مختلف با سهولت برخورد کند، درحالی که آنها نمی‌توانند از کانال‌های ارتباط میان‌فردی انتظار داشته باشند، درباره مسائل مختلف، اطلاعات دهند.

بی‌شک مردان تودایی فکر می‌کنند که اطلاعات کشاورزی برای آنها مفید است؛ حتی با برخی از محدودیت‌هایی که در بالا بحث شد، با این حال، دلیل عمده را برای داشتن دستگاه رادیو، گوش دادن به اخبار می‌دانند. آنها احساس می‌کنند رادیو منبع اصلی اطلاعات برای آنهاست.

یک کارگر کشاورز ۳۴ ساله وقتی که من پرسیدم: «شما در مورد برنامه‌های کشاورزی چه فکری می‌کنید؟ آیا شما فکر می‌کنید برنامه‌های کشاورزی مفید هستند؟ آیا شما تنها با پخش آهنگ‌های فیلم‌های جدید از رادیو راضی هستید؟»، غیرمنتظرانه پاسخ داد: «نه، نه، اگر ما یک دستگاه رادیو داشته باشیم، می‌توانیم به همه ایستگاه‌های رادیویی گوش کنیم. حتی اگر نخست‌وزیر بمیرد، ما می‌توانیم در اوایل صبح، در اولین بولتن خبری بدانیم... در غیر این صورت، چگونه می‌توان از چنین اخباری مطلع شد؟»

شخص دیگری اظهار داشت: «در اصل به اخبار. هنگامی که ما آن را برای استفاده از اخبار، به کار می‌بریم، همچنین می‌توانیم از آن برای زراعت استفاده کنیم...»

رادیو به‌طور گسترده‌ای برای گوش دادن به اخبار مورد استفاده قرار می‌گیرد، بنا بر دلایلی که قبلاً در مقاله بحث شد که میزان بالای بی‌سوادی و عدم تأمین برق است. این دلایل آنها را تشویق می‌کند که ترجیح دهند از رادیو برای گوش دادن به اخبار استفاده کنند. همچنین در اینجا جالب است که به یک قوم‌نگاری میدانی که بر گوش دادن به امواج رادیویی در بریستول انگلستان انجام شده است، توجه کنید. این قوم‌نگاری نشان می‌دهد که مردان به بیان دلایل منطقی و ساختاری تمایل دارند؛ درحالی که زنان درباره اینکه چگونه آن را حس می‌کنند، حرف می‌زنند.

## زنان و گوش دادن به رادیو

در حالی که مردانی که من با آنها مصاحبه کردم مشتاقانه به برنامه‌های بخش کشاورزی گوش می‌دادند، زنانی که با آنها مصاحبه کردم به پخش برنامه‌های مذهبی مشتاق بودند.

زنان تودایی عملاً در مراسم تشریفات در فستیوال‌های تودایی مورد غفلت هستند و ورود آنها به معابد تودا مورد انتظار نیست. هجوم تاریخی مبلغان هند و اروپایی وجود داشته و دارد که با موفقیت توانسته‌اند بسیاری از زنان تودایی را پیرو مسیحیت کنند. این تغییر در ایمان، زنان تودایی را به نادیده گرفتن برنامه‌های تفریحی مانند آهنگ‌های پاپ فیلم‌های تامل و انتخاب برنامه‌های اطلاع‌رسانی مانند اخبار، مستندات محلی و فیچرها تشویق کرده است.

زنان تودایی اغلب در جامعه، خود را محروم حس می‌کنند. زنان معمولاً با همراهی فرزندان‌شان در مراسم عبادی مسیحی که در اوتی و چند شهرک تودایی برگزار می‌شود، حضور می‌یابند. با این حال به نظر نمی‌رسد مردان به مخالفت با همسران خود برای حضور در این جلسات عبادی بپردازند. آنها مدعی هستند که همسران‌شان تغییر دین نداده‌اند. مردان نیز مشارکت پسران در مراسم تشریفات مذهبی خود را بسیار مهم قلمداد می‌کنند و به شدت مخالف تحت‌تأثیر قرار گرفتن پسران‌شان از سوی مبلغان مسیحی هستند.

برخی از مبلغان مراکز رسانه‌ای در هند در حال پخش برنامه‌های مسیحی در صبح و شام هستند. در هند، سازمان‌های پخش مسیحی از جمله وزارتخانه مارتین لوتر FEBA (نهاد پخش خاور دور هند) به پخش برنامه‌های مسیحی به شماری از زبان‌های هندی از جمله مالایایی، کانادای، هندی و تامل می‌پردازند.

یک زن بیست‌ساله اهل تالاپاتری موند در اوایل صبح به برنامه‌های مسیحی گوش می‌سپارد. وقتی از وی پرسیدم وقتی به دستگاه رادیوی خود گوش می‌دهی انتظار داری چه چیزی گوش بدهی، پاسخ داد:

«من تنها به برنامه ستیام (یک برنامه مسیحی) گوش می‌دهم. برنامه از ۵/۳۰ تا ۶ صبح و در شب از ۸ الی ۸/۱۵ پخش می‌شود. «یکشنبه‌ها برخی از زنان تودایی در مراسم

عبادی یکی از شهرک‌های تودا (Attakor mund) شرکت می‌کنند. در طول تعامل من با مردم تودا آنها می‌گفتند: «مبلغان مسیحی موعظه می‌کنند که پیروان واقعی عیسی مسیح نباید به آهنگ‌های فیلم و سرگرمی بر اساس فیلم گوش دهند.»

زن خانه‌دار ۲۴ ساله، از پتاتولد موند گفت: «من اصلاً آهنگ‌های فیلم را گوش نمی‌دهم. من به کلام مسیح گوش می‌دهم.»

جدا از فعالیت‌های داخلی، زنان تودایی درگیر کار گلدوزی و درست کردن شال در شهرک‌ها- که در میان گردشگران محبوب است- هستند. در خلال این عمل گروهی، آنها به برنامه‌های رادیو مانند اخبار، آهنگ فیلم و سایر برنامه‌ها گوش می‌سپارند.

آنها رادیوهای ترانزیستوری خود را به جلوی خانه می‌آورند و یا اینکه صدای آن را بلند می‌کنند یا اینکه در جایگاه خود رادیو در داخل خانه نگهداری می‌شود.

در طول فصل بارانی، معمولاً رفتن برق معمول است که بین دو تا سه روز طول می‌کشد. زنان تودا فکر می‌کنند که رادیو وسیله مناسبی برای برخی از شرایط آب و هوایی است. زمانی که منبع تغذیه رادیو، برق است، معمولاً بر روی قفسه‌ها نگهداری می‌شود. از سوی دیگر، هنگامی که از باتری استفاده می‌شود آن را اطراف خانه و در مزارع در حالی که کار می‌کنند، حرکت می‌دهند. حتی زنانی که دستگاه رادیو ندارند به رادیوهای همسایه‌های خود گوش می‌دهند.

**کودکان** در شهرک‌های دورافتاده تودا زمان طولانی صرف گوش دادن به رادیو می‌کنند. هرچند آنها به ترانه‌های فرهنگی علاقه‌مند نیستند، اما به آهنگ فیلم گوش می‌دهند. یک پسر بچه ۱۱ ساله می‌گفت: «من به نمایشنامه‌های رادیویی در شب، بین ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ شب گوش می‌دهم. من از گوش دادن به نمایشنامه‌های رادیویی لذت می‌برم.»

رادیو نیز به‌عنوان یک همراه برای کودکان تودایی کاربرد دارد. در طول مطالعات میدانی، دختر ۱۰ ساله‌ای را دیدم که در فضای باز به رادیو گوش می‌داد. وی زیر درختی که ملحفه‌ای

بر روی درخت به‌عنوان سقفی برای جلوگیری از گرمای آفتاب پهن کرده بود، نشسته بود. او رادیو ترانزیستوری را نزدیک خود نگه داشته بود و به آهنگ فیلم گوش می‌داد. وقتی پرسیدم: چرا نشستی و به رادیو گوش می‌دهی؟ گفت: «مادرم به خانه مادر بزرگم برای دیدنش رفته است. من اینجا تنها هستم. برای همین رادیو را در یک فضای باز آوردم.»

جریان مهم دیگری که میان کودکان وجود دارد، این است که آنها بی که دستگاه رادیو ندارند، به خانه همسایگان‌شان برای گوش دادن به رادیو می‌روند. بانو پریا یک دختر ۶ ساله گفت: «ما در خانه‌مان رادیو نداریم، به خانه همسایه می‌رویم تا رادیو گوش دهیم.»

## نتیجه‌گیری

رادیو یک رسانه مهم در زندگی روزمره مخاطبان بومی در نیلجیری محسوب می‌شود؛ به‌ویژه در زندگی روزمره مخاطبان تودایی که در شهرک‌های دور دست زندگی می‌کنند. آنها حس می‌کنند که پخش برنامه‌های کشاورزی از اوتی، بسیار به فعالیت‌های آنها در زندگی روزمره مرتبط است، زیرا بسیاری از برنامه‌ها در مزارع و مناطق خاص تولید شده‌اند. هرچند که مردان برنامه‌های اطلاعاتی را دوست دارند، اما بسیاری از زنان به برنامه‌های پخش شده مسیحی گوش می‌دهند و از برنامه‌های سرگرمی مانند موسیقی فیلم اجتناب می‌کنند. کمبود دستگاه‌های رادیویی در برخی از خانه‌های توداها مانع گوش دادن آنها به رادیو نمی‌شود، بلکه آنها به خانه‌های همسایگان می‌روند تا به آن گوش دهند. هرچند توداها برای اطلاعات کشاورزی و سرگرمی به رادیو گوش می‌دهند، اما مهم‌ترین دلیل آنها برای داشتن یک دستگاه رادیو، شنیدن اخبار است. هرچند پخش رادیویی در هند به سمت تجاری‌شدن تغییر مسیر داده است، اما اوتی با سازندگان جوان برنامه‌های خود به سمت توزیع مشخص برنامه‌ها در منطقه‌ای خاص حرکت کرده است.